

ماگاموشی

جزیره‌ی جوندگان جسور ۲



موش و گربه در خانه‌ی اشباح

نویسنده: جرونیمو استیلتن

تصویرگر: لری کیز و راترتو راتونچی

مترجم: فریبا چاوشی

ماگاموشی

جزیره‌ی جوندگان جسور ۲

موش و گربه در خانه‌ی اشباح



نویسنده: جرونیمو استیلتن

تصویرگر: لری کیز و راترتو راتونچی

مترجم: فریبا چاوشی

تحریریهی روزنامهی
جریدهی چونندگان



در جزیره‌ی ماکاموشی کی چه‌کاره است؟



ته‌آ استیلتن

خواهر جرونیمو و خبرنگار ویژه‌ی جریده‌ی جوندگان



جرونیمو استیلتن

موش زیرک و خوش‌فکر، سردبیر جریده‌ی جوندگان



بنجامین استیلتن

موش‌چه‌ی نه‌ساله‌ی شیرین و دوست‌داشتنی، برادرزاده‌ی تودل‌بروی جرونیمو



تراپولا استیلتن

یک موش دلفک و بی‌نمک، پسرعموی جرونیمو و صاحب مغازه‌ی خرت‌وپرت‌فروشی

دوستان موش‌موشی عزیزم!
به دنیای **جرونیمو استیلتن** خوش آمدید!



یک شب مه‌آلود اکتبر ...

شبی مه‌آلود از شب‌های اکتبر بود.

آخ! چقدر دلم می‌خواست توی سوراخ موش گرم‌ونرم

خودم بودم. آن وقت با کتابی خواندنی و یک لیوان چدار گرم

خلوت می‌کردم. مطمئنم شب خوبی از کار در می‌آمد.

ولی آن شب خانه نبودم. کاش توی بولینگ یا بخت‌ویا اقبال مشغول

بازی بودم یا توی رستوران محبوب فرانسوی‌ام، جیرجیرباشی شام

خوشمزه‌ای نوش جان می‌کردم. ولی نه. آن شب از تمام موش‌هایی

که می‌شناختم دور بودم. بله ... وسط یک **بنگل تاریک** گیر کرده

بودم! می‌خواهید بدانید چرا؟

بگذارید بگویم ...

اُه راستی! اول بگذارید

خودم را معرفی کنم.

اسم من استیلتن است،

جره‌نیمه استیلتن.





من توی نیوموش سیتی زندگی می‌کنم و سردبیر یک روزنامه‌ام. بله، درست است.



من یک موش روزنامه‌نگارم. روزنامه‌ای را می‌چرخانم به اسم جریده‌ی جوندگان. محبوب‌ترین روزنامه‌ی ماکاموشی، جزیره‌ی جوندگان جسور! فقط یک رقیب داریم و آن هم روزنامه‌ی موش امروز است. که آن هم برای خودش قصه‌ای دارد.



بینم، کجا بودیم؟ آهان، بله، چطوری از آن جنگل تاریک سر در آوردم. خب من از نیوموش سیتی زده بودم بیرون تا بروم دیدن عمه پشمکم. عمه‌جانم رفته بود و روی تپه‌های شیرین پنجه زندگی می‌کرد. برای اینکه بروم آنجا، باید از جنگل تاریک می‌گذشتم. تا حالا آنجا رفته‌اید؟ هر وقت از آنجا می‌گذرم، یاد جنگلی می‌افتم که هانس و گرتل تویش گم شده بودند. مثل چی تاریک و ترسناک است!



تازه از کنار تخته‌سنگ چنگال‌گره گذشته بودم که ابری مه‌آلود روی ماشینم جا خوش کرد. حس می‌کردم یکی از اعضای گروه سه موش کور شده‌ام. حتی پنجه‌های جلویی‌ام را هم نمی‌دیدم! یک



خرده نقشه را بالا و پایین کردم، ولی بی‌فایده بود. گم شده بودم! جاده باریک‌تر شد و بالاخره رسید به جاده‌ای خاکی. لعنت به هر چی پنیر گندیده است! اصلاً اوضاع خوبی نبود. درست وسط ناکجاآباد گیر افتاده بودم. به خودم لرزیدم.

کی می‌داند چه جور موش‌های وحشی‌ای در اعماق این جنگل تاریک و ترسناک زندگی می‌کنند؟ اگر روی ماشینم می‌پریدند چی؟ اگر روی خودم می‌پریدند چی؟

سعی کردم با پنجه‌های لرزان شماره‌تلفن خواهرم ته‌آ را بگیرم. ای پشگل موش به این سرنوشت! تلفن همراهم اصلاً آنتن نمی‌داد.

آخ! چقدر دلم می‌خواست توی خانه‌ی خودم بودم!

نیم‌ساعت دیگر توی مه غلیظ رانندگی کردم.

رادیو را روشن کردم تا از شر فکر و خیال خلاص شوم، ولی هیچ شبکه‌ای را نمی‌شد گرفت. به جایش صدای تیلیک‌تیلیک به هم خوردن دندان‌هایم را گوش دادم.

بعد یک‌دفعه توی مه یک تابلو ظاهر شد. رویش نوشته بود:

به سمت قلعه‌ک والاگره



یک شب مه آلود اکتبر ... 

آن قدر شوکه شده بودم که جیرجیرم در نمی‌آمد. دوباره نقشه‌ام را بالا پایین کردم. فکر کردم عجیباً پنیرا! هیچ **قلعه‌ای** توی نقشه به چشم نمی‌خورد.

نقشه را تا کردم و چپاندم توی جیب کتم. خب، یک راه بیشتر نداشتم. راه افتادم طرف قلعه. پیش خودم خیال کردم وقتی رسیدم آنجا، راه را می‌پرسم.

بعد یک دفعه **صاعقه‌ای** درست کنار ماشینم فرود آمد! جنگلِ تاریک یک لحظه روشن شد.

یاد آن موقع افتادم که عموسینماچی‌ام توی سینماجیرجیر قبل اینکه فیلم تمام شود، چراغ‌های سالن را روشن کرد. تماشاچی‌ها قاتی کردند. همه‌ی موش‌ها می‌خواستند پولشان را پس بگیرند.

بعد از آن جریان، عموسینماچی مجبور شد تمام مدت با ماشینِ پف‌فیل درست‌کن کار کند. رئیسش نمی‌گذاشت یک میلی‌متر هم نزدیکِ کلید برق شود.

پلک زدم و توی نور درخشان صاعقه چیزی دیدم. جایی در دور دست، ساختمان فرسوده‌ی **قلعه‌ای قدیمی** به چشم می‌خورد.

درست همان لحظه ماشینم ایستاد!



- ۱- سرسرا
- ۲- چاپخانه (جایی که کتاب‌ها و روزنامه‌ها چاپ می‌شوند).
- ۳- بخش حسابداری
- ۴- سالن تحریر (جایی که نویسندگان، تصویرگران و طراحان کار می‌کنند).
- ۵- دفتر جر و نیمو استیلتن
- ۶- آشپزخانه‌ی چرخ‌بال

درباره‌ی نویسنده:

متولد نیوموش سیتی، ماکاموشی، جزیره‌ی جوندگان جسور. جر و نیمو استیلتن دانش‌آموخته‌ی ادبیات موش محورانه و فلسفه‌ی نوموشی تطبیقی است. در بیست سال گذشته سردبیر جریده‌ی جوندگان، پُرتیراژترین روزنامه‌ی نیوموش سیتی بوده.

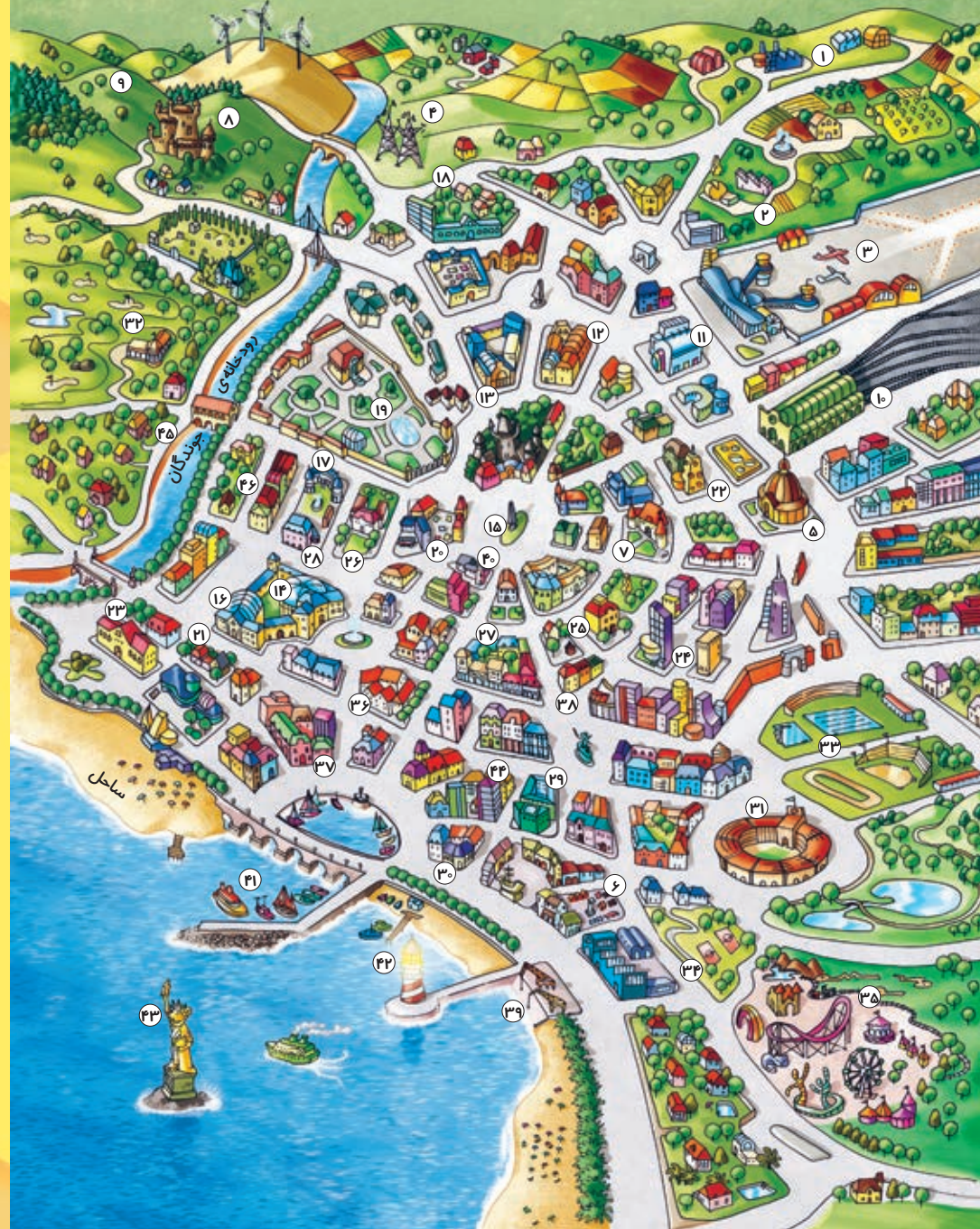
استیلتن به خاطر دو تا از کتاب‌هایش، «نفرین هَرَمِ پنیری» و «در جست‌وجوی گنج غرق‌شده» برنده‌ی جایزه موشیترز شد. همچنین جایزه‌ی بهترین شخصیت اندرسون سال ۲۰۰۰ را به خود اختصاص داد. یکی از کتاب‌های پُرفروشش هم موفق به دریافت جایزه‌ی بهترین کتاب الکترونیکی جهان در ای‌بوک ۲۰۰۲ شد و کارهایش در سرتاسر جهان به چاپ رسیده است.

آقای استیلتن در اوقات فراغتش پوسته‌ی پنیر عتیقه جمع می‌کند و گلف بازی می‌کند. ولی بیشتر از هر چیزی از قصه‌گفتن برای برادرزاده‌اش، بنجامین، لذت می‌برد.



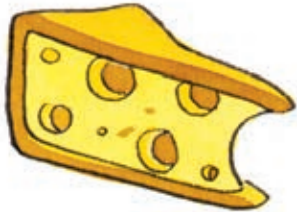
نقشه‌ی نیوموش سیتی

- | | |
|--|------------------------------|
| ۱- شهرک صنعتی | ۲۴- دفتر روزنامه‌ی موش امروز |
| ۲- کارخانه‌های پنیرسازی | ۲۵- دفتر جریده‌ی چونندگان |
| ۳- فرودگاه بین‌المللی هواپیموش | ۲۶- خانه‌ی تراپولا |
| ۴- ایستگاه رادیویی و تلویزیونی گوش موش | ۲۷- مرکز طراحان لباس |
| ۵- بازار پنیر | ۲۸- رستوران موش کلبه |
| ۶- بازار ماهی | ۲۹- مرکز حفاظت از محیط زیست |
| ۷- شهرداری | ۳۰- اداره‌ی بندر و دریانوردی |
| ۸- قلعه‌ی آخ و تُف | ۳۱- میدان ملکه‌موش |
| ۹- هفت‌تپه‌ی ماکاموشی | ۳۲- زمین گلف |
| ۱۰- ایستگاه قطار نیوموش سیتی | ۳۳- استخر |
| ۱۱- مرکز خرید | ۳۴- زمین تنیس چمنزار خِجَل |
| ۱۲- سینما | ۳۵- شهر بازی خزرفری |
| ۱۳- باشگاه ورزشی | ۳۶- خانه‌ی جرونیمو |
| ۱۴- تماشاخانه‌ی گربه‌برفی | ۳۷- بافت تاریخی |
| ۱۵- میدان سنگ آوازه‌خوان | ۳۸- کتابخانه‌ی عمومی |
| ۱۶- سالن گودا | ۳۹- کارگاه کشتی‌سازی |
| ۱۷- هتل پنج‌ستاره | ۴۰- خانه‌ی ته‌آ |
| ۱۸- بیمارستان دولتی موش‌ها | ۴۱- لنگرگاه نیوموش سیتی |
| ۱۹- باغ گیاه‌شناسی | ۴۲- فانوس دریایی مهپاره |
| ۲۰- خِرت‌وپرت‌فروشی تراپولا | ۴۳- مجسمه‌ی آزادی |
| ۲۱- پارکینگ | ۴۴- دفتر هرکول موش آرو |
| ۲۲- موزه‌ی هنرهای معاصر | ۴۵- خانه‌ی پتونیا زیباپنجه |
| ۲۳- دانشگاه و کتابخانه | ۴۶- خانه‌ی بابابزرگ ویلیام |



نقشه‌ی ماکاموشی

- | | |
|---------------------------|-----------------------------|
| ۲۲- دریاچه | ۱- دریاچه‌ی یخِ گول پیکر |
| ۲۳- پرتگاه چدار | ۲- قلعه‌ی خَزِ یخزده |
| ۲۴- قلعه‌ی والاگره | ۳- یخچال لیزان لغزان |
| ۲۵- دره‌ی کاج‌های غول آسا | ۴- قلعه‌ی مورمور |
| ۲۶- چشمه‌سار چدار | ۵- پیست اسکی |
| ۲۷- باتلاق گوگردی | ۶- سرزمین موش‌های خون‌آشام |
| ۲۸- چشمه‌ی آب گرم قدیمی | ۷- کوه خون‌آشام |
| ۲۹- آبراه موش صحرائی | ۸- آتشفشان جزغاله‌موش |
| ۳۰- تنگ‌دره‌ی مجنون‌موش | ۹- دریاچه‌ی گوگرد |
| ۳۱- مرداب پشه‌کوره | ۱۰- گذرگاه پی‌پی‌گره |
| ۳۲- کوهستان هیولا | ۱۱- قلعه‌ی بوگندو |
| ۳۳- صحرای موشاها | ۱۲- جنگل سیاه |
| ۳۴- آبادی شترخسته | ۱۳- دره‌ی خون‌آشامان مغرور |
| ۳۵- تپه‌ی کله‌کلم | ۱۴- گردنه‌ی ترس‌ولرز |
| ۳۶- جنگل تله‌موش | ۱۵- گذرگاه سایه |
| ۳۷- پشه‌آباد | ۱۶- قلعه‌ی ناخن‌خشک |
| | ۱۷- پارک حفاظت‌شده |
| | ۱۸- گردشگاه ساحلی لاس‌موشاس |
| | ۱۹- جنگل فسیل |
| | ۲۰- دریاچه‌چه‌چه |
| | ۲۱- دریاچه‌چه |





هوپا
Hoopa

مجموعه کتاب‌های ماکاموشی، جزیره‌ی جوندگان جسور



دوستان موش موشی عزیزم!
منون که این کتاب را خواندید. تا کتاب بعدی شما
را به خدا می‌سپارم.
به زودی با یک ماجراجویی سیبیل چسب و هیجان انگیز
دیگر به سراغتان می‌آیم. قول می‌دهم!

جرونیو استیلتن

عجیبه که آدمیزاد
کتاب هاش رو نمی خوره!



هوپا ناشر کتاب های خوردنی